

فصل‌نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۸

حضور هخامنشیان در کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس با توجه به منابع مکتوب و یافته‌های باستان‌شناسی

فرشید حیدری^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۳

چکیده:

خلیج فارس نامی آشنا در صحنه تاریخ خاورمیانه است. این خلیج در کرانه شمالی با ایران و در کرانه جنوبی با عربستان، امارات، کویت، بحرین و همسایه است. در این مقاله به بررسی حضور هخامنشیان در منطقه خلیج فارس با استفاده از دو روش بررسی منابع مکتوب و یافته‌های باستان‌شناسی پرداخته شده است. سوالات این پژوهش عبارتند از: ۱- مهمترین مناطق تحت نفوذ هخامنشیان با توجه به محوطه‌های باستانی کدام است؟ ۲- در دوره هخامنشی کرانه‌های هخامنشی تحت لوای کدام ساتراپی بوده است؟ با توجه به منابع مکتوب همچون سفرنامه‌ها و کتب و داده‌های باستان‌شناسی همچون گنبدشته‌ها، کتیبه‌هایی چون سوئز و بیستون و مهمتر از همه محوطه‌های هخامنشی برجای مانده در کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس همچون کاخ‌های سه گانه برازجان، تمب بت در لامرد، تل پیرو تمب پدو در شهر مهر، محوطه‌های هخامنشی جنوب خوزستان، محوطه‌های هخامنشی استان هرمزگان و جزایری همچون قشم و خارک و محوطه‌های قلات بحرین، مویله و شارم در امارات متحده به پاسخگویی به سوالات تحقیق پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، هخامنشی، محوطه باستانی، گنبدشته، کتیبه، کتب تاریخی.

۱. دکترای باستان‌شناسی دوران تاریخی از دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات heydarifarshid420@gmail.com

۱- مقدمه:

خلیج فارس نامی است که از کهن‌ترین ادوار تاریخ برای نامیدن خلیجی که در بین ایران و شبه جزیره عربستان واقع است. شاهنشاهی هخامنشی قلمرو خود را در دو سوی این دریا گسترش داد. در دوره هخامنشی بعضی از مناطق از اهمیت خاصی برخوردار بودند که از جمله این نواحی مناطق جنوبی و سواحل ایران است که به دلایلی همچون نزدیکی به مناطقی چون پارسه و شوش شهرهای مهم دوره هخامنشی و وجود آبهای خلیج فارس که همچون دریچه ای به سوی دریاهای آزاد و مناطقی چون هند، آفریقا و در نهایت اروپا باعث شده بود که از لحاظ اقتصادی و کشورگشایی این ناحیه مورد توجه قرار بگیرد. در این پژوهش سعی بر شناخت حضور هخامنشیان در خلیج فارس و مناطق همجوار است هم از لحاظ بررسی متون و هم از لحاظ وجود شواهد باستان‌شناسی که در نهایت مشخص خواهد شد که این مناطق چه نقشی در آن دوره داشته‌اند و در زیر چتر حکومتی کدام ساتراپ دوره هخامنشی بوده‌اند. این پژوهش با استفاده از دو روش بررسی اسناد و منابع مکتوب به جای مانده از دوره هخامنشی و آثار به جای مانده به مطالعه موضوع مورد پژوهش پرداخته شده است.

در مورد این مبحث پژوهش‌ها به صورت تک مقاله است که در مورد مکانهای بررسی شده هخامنشیان در منطقه خلیج فارس صورت گرفته است همچون مقاله «تموکن، تئوکه و تخمکه، نام‌هایی برای بندرگاهی هخامنشی بر کرانه شمالی خلیج فارس» (یزدانی و فیروزمندی ۱۳۹۵) «مقالات چاپ شده در مورد محوطه‌های هخامنشی منطقه برازجان» (یغمایی ۱۳۸۳ و ۸۴) مقاله «بازیابی کاخهای هخامنشیان در برازجان با اتکاء به داده‌های باستان‌شناسی» (کریمیان، سرفراز، ابراهیمی ۱۳۸۹) مقاله «کشف کاخی از عهد کورش کبیر در ساحل خلیج فارس». (سرفراز ۱۳۵۰) اشاره کرد. سوالات این پژوهش عبارتند از ۱- مهمترین مناطق تحت نفوذ هخامنشیان با توجه به محوطه‌های باستانی کدام است؟ ۲- در دوره هخامنشی کرانه‌های هخامنشی تحت لوای کدام ساتراپی بوده است؟

۲- پیدایش نهادهای حکومتی پیش از دوره هخامنشی در خلیج فارس براساس منابع مکتوب: **دیلمون**: اولین اشاره به دیلمون در گل نبشته‌های تصویری دوره آغاز نگارش، اورک IV ثبت است که در اوروک به دست آمده‌اند نام دیلمون در ۳ فهرست و ۱۱ مدرک اداری به دست آمده و مربوط به حدود ۳۰۰۰ ق م است. در دوره سلسله‌های قدیم سومر اشاره به دیلمون بیشتر می‌شود و در متون اقتصادی و مذهبی که از کیش و ابل به دست آمده ما در مورد تجارت با دیلمون مطالبی می‌یابیم. یکی از اشارت مربوط به پادشاه لاگاش است که در حدود ۲۵۲۰ ق. م می‌زیست و در کتیبه او آمده‌است «کشتی‌های دیلمون، از سرزمین‌های خارجی برای من چوب هدیه آوردند». در دوران سلطنت منیشتوسو (۲۲۵۵-۲۲۶۹ ق. م) به لشکرکشی به آن سوی خلیج فارس اشاره شده که از پادشاهان آن سوی دریا، سی و دو تن برای جنگ با او گرد آمدند. اما او همه آن‌ها را شکست داد.^۱

مکن: اولین اشاره به نام مکن در زمان سارگن آکدی بوده‌است در داستان انکی و نین خورسگ نام خدای مکن نین تول آمده‌است، ولی هیچ‌گاه خدایان بین‌النهرین به اندازه دیلمون با مکن در ارتباط نبودند.^۲ اور - نمو مؤسس سلسله سوم اور در کتیبه‌ای که از طرف او به ناتا تقدیم شده‌است آورده «در ساحل دریا، در محل ثبت او تجار دریانورد را دید که به سلامت به خانه‌هایشان بازگشتند و کشتی‌های مکن را به دستان او (نانا) برگرداندند».

ملوخ: در مورد موقعیت ملوخ گلب معتقد است در سواحل شمالی خلیج فارس را شامل می‌شود و ایران و هند را به یکدیگر متصل می‌کرده و از ایلام و انشان آغاز شده و دره‌ی سند منتهی می‌شود. رومیلا ناپر، که با کمک زبان دراویدی موقعیت ملوخ را به ترتیب کاتیاوارا در ساحل غربی هند، گجرات و شمال کونکان در هند تعیین کرد.^۳

۱. مجیدزاده، پیکره ای سومری در خارگ، ص ۱۰۳.

۲. عبدی، دیلمون، مکن، ملوخ، ص ۳۰.

۳. عبدی، همان، ص ۳۳.

۳- جایگاه سیاسی، نظامی و اقتصادی خلیج فارس در عصر هخامنشی براساس منابع مکتوب:

استرابون دربارهٔ قصری هخامنشی در تائوکه صحبت می‌کند. این مکان که در لوح خزانه داری داریوش «تائوکا» نامیده شده است، در زمان هخامنشیان تائوکه جایگزین شهر قدیمی لیان شد و احتمالاً این پایگاه در تصرف نواحی جنوب غربی و دشت خوزستان و بین‌النهرین در زمان هخامنشیان دخالت داشته است.^۱ کوروش بزرگ در سال ۵۵۶ پ. م مناطق شرقی و جنوبی شبه جزیره عربستان را تصرف کرد. او در منشور آزادی بابل گستره قلمرو خود از دریا‌های بالا و پایین یاد می‌کند که منظور مرزهای آبی از حدود مدیترانه تا خلیج فارس است.^۲ هردوت و گزنفون دریای عمان را دریای اریتره یا دریای اریتره روم نامیده‌اند. هردوت از مردمان مکه یاد کرده است که اغلب در دو سوی دریای عمان و جزایر دریای نیمروز زندگی می‌کردند.^۳ گزنفون نیز با اشاره به این موضوع می‌نویسد: کوروش تمامی مللی را که از شام تا دریای اریتره سکنی دارند در تحت اختیار خود درآورد و از آنجا به طرف مصر قشون کشید، آن مملکت را نیز مطیع نمود. در دوره کمبوجیه حاکمیت ایران بر مرزهای دریایی جنوب تداوم یافت.^۴ داریوش در ستون اول بند ششم کتیبه بیستون سرزمینهای دریایی پارس، خوزستان، بابل، زرنگ، گنداره، رنج و مکیا یاد می‌کند و در کتیبه تخت جمشید عربستان، ملت‌های آن سوی دریاها و ممالکی را که در مشرق و هندوستان هستند، خراجگذار خود می‌داند.^۵

هردوت ساگارتی‌ها، سرنگی‌ها، نامانیان، اوتیان، می‌کیان و مردم جزایر دریای عمان را ساتراپی چهارده ایران هخامنشی می‌داند که شاه تبعید شدگان را به جزایر دریای عمان می‌فرستاد.^۶ این ناحیه از جنوب شرقی تا سواحل شمال شرقی خلیج فارس امتداد داشته و جزیره قشم از

۱. سرفراز، کشف کاخی از عهد کوروش کبیر در ساحل خلیج فارس، ص ۲۵.

۲. پیرنیا، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، ص ۳۸۶.

۳. کخ، پژوهشهای هخامنشی، ص ۱۸.

۴. همان، ص ۲۸۱.

۵. پیرنیا، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، ص ۱۵۷۱.

۶. هردوت، تواریخ، ص ۲۲۴.

تبعیدگاه‌های هخامنشیان بوده است.^۱ در دوره خشایار شاه در لشکرکشی به یونان سپاهیانی از بندرهای خلیج فارس و جزایر دور دست مکران و دریای عمان حضور داشتند.^۲ خشایار شاه، در کتیبه خود به این سرزمینهای ساحلی اشاره می‌کند: به خواست اهورا مزدا این است کشورهای جدا از پارس که من شاه آنها بودم. من بر آنها حکمرانی کردم، رخج، زرنگ و انهایی که آن سوی دریا ساکنند، مک (مکران)، عمان، عربستان.^۳

۴- حضور هخامنشیان در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس (بحرین، عربستان، عمان):

مرزهای ایران در ضلع جنوب و جنوب شرقی، خلیج فارس و دریای عمان با ظهور سلسله هخامنشی تثبیت یافت.

در کتیبه تخت جمشید، عربستان، ملت‌های آنسوی دریاها و ممالکی که در مشرق و هندوستان را خراجگذار خود می‌داند. این ناحیه از جنوب شرقی تا سواحل شمال شرقی خلیج فارس امتداد داشته است.^۴ جزیره بحرین که در زمان کورش تحت اداره مستقیم هخامنشیان قرار گرفت، یکی از پایگاه‌های عمده بازرگانی ایران گردید. بنادر بحرین (دیلمون) در جنوب خلیج فارس، بخشی مهم از مراکز اقتصادی دریای هخامنشیان بودند. نئارخوس، دریاسالار مقدونی یکی از نخستین کسانی است که در سفرنامه خود به «تتوکی» اشاره دارد. نئارخوس همچنین از وجود یک کاخ پادشاهی پارسی به فاصله ۲۰۰ استادیایی آنجا خبر می‌دهد.^۵ اسکندر در اواخر عمر، کشتی‌های خود را به خلیج فارس گسیل کرد و محدوده مجمع‌الجزایر بحرین یا سرزمین مروارید و امکانات آن مجدداً بررسی شد.^۶

۱. توین بی، جغرافیای اداری هخامنشیان، ص ۱۰۹.

۲. هوار، ایران و تمدن ایرانی، ص ۶۸.

۳. ویستهووفر، ایران باستان از ۵۵۰ پ. م تا ۶۵۰ پ. م، ص ۸۲.

۴. توین بی، جغرافیای اداری هخامنشیان، ص ۱۰۹.

۵. کورت، هخامنشیان، ص ۵۴.

۶. رائین، دریانوردی ایرانیان، ص ۱۱۳.

به علت ابهام و تناقض‌های منابع موجود، تعیین رابطه دقیق میان شمال عربستان با امپراطوری هخامنشی دشوار است. کتیبه‌های سلطنتی هخامنشی اعراب (آرابیا) را به وضوح در شمار اقوام تابع خویش برشمرده‌اند، همانند کتیبه‌های داریوش اول در بیستون، تخت جمشید، نقش رستم و شوش و کتیبه خشایارشا در تخت جمشید بند ۳ XPh همچنین از اعراب در سال بیست و دوم پادشاهی داریوش یکم به عنوان کارگر در تخت جمشید کار می‌کرده‌اند.^۱ سرخ مهم تندیس داریوش در شوش است. در پایه این مجسمه فهرستی از اقوام تابعه به هیروگلیف وجود دارد که در آن به واژه هجر (hgr) برمی‌خوریم. این واژه برای اعراب به کار رفته که در دوره بطلمیوسان در شمال غربی عربستان شناخته شده بوده‌اند. اما متأسفانه برخلاف بحرین، هیچ‌گونه شواهد باستان‌شناسی برای اثبات شناسایی افق هخامنشی در شمال شرقی عربستان وجود ندارد. شواهد قانع‌کننده‌ای برای شناسایی ماکای پارسی باستان، ایلامی، هخامنشی، اکدی و سومری وجود دارد که در واقع شاید شبه‌جزیره عمان باشد. گراف موک‌ها را به راس مسندم که جزیره‌ای است کوچک درست در نوک دماغه شمال عمان می‌داند. هردوت (III,93) هنگام توصیف ایالت چهاردهم از «ساگارتی، زرنگی‌ها، تامانه‌ها و موک‌ها...» نام می‌برد و اینان را اقوامی دیگر تعیین می‌کند که محل دقیقشان ناممکن است و می‌گوید موک‌ها در ارتش خشایارشا حضور دارند. منابع هخامنشی از قلمرو مک به عنوان کشور معادل چیزی بیش از تقسیمات اداری نام برده‌اند.^۲

۵- پژوهش‌های باستان‌شناسی دوره هخامنشی منطقه خلیج فارس:

آثار دوره هخامنشی استان بوشهر: ناحیه بوشهر به وسیله گروه باستان‌شناختی ایرانی - انگلیسی مورد بررسی قرار گرفت. تعداد استقرارگاه‌ها در دوره هخامنشی ۳۲ محوطه است. محوطه بزرگ ریشهر در شرق شهر بوشهر قرار دارد. با توجه به برخی آثار سطحی و سفالی این محوطه متعلق به دوره هخامنشی تا ساسانی بوده است.^۳

۱. همان، ص ۵۴.

2. Potts, Achaemenid interests in the Persian Gulf, in, p, 8-12.

3. Carter, The Bushehr hinterland: results of the first season of the Iranian-British Archaeological Survey of Bushehr Province, p, 71.

کاخ چرخاب: کشف کاخ هخامنشی در برازجان در سال ۱۳۵۱ ه. ش که به جهت ویژگی‌های فنی و معماری به کوروش بزرگ منتسب شد.^۱ این کاخ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه براساس گزارش نثارخوس زمانی که در بندر تتوکه در حدود ۳۰ کیلومتری شمال شبه جزیره بوشهر پهلو گرفته بودند، کاخی از شاهان پارس در فاصله ۲۰۰ استادیا یا حدود ۳۳ کیلومتری در بخش‌های پس کرانه‌ای قرار داشته است. از نظر پلان معماری، کاخ چرخاب از یک تالار مرکزی با دوردیف شش‌تایی ستون تشکیل شده که دارای سه درگاه در جانب شمال، جنوب و خاور است. پایه‌ستون‌های تالار اصلی کاخ در طرح و سبک، همانندی آشکاری با پایه‌ستون‌های کاخ‌های کوروش بزرگ در پاسارگاد دارد و به همین دلیل کاوشگر بنای کشف شده را «کاخ کوروش» نامید. سرفراز، ساخت این کاخ را به سال‌های پایانی زندگی کوروش بزرگ نسبت می‌دهد که البته به دلیل مرگ نابهنگام وی در سال ۵۲۹ پ. م کار ساخت‌وساز آن رها شده و هیچ‌گاه به اتمام نرسیده است.^۲ براساس طرح پایه‌ستون‌های تالار مرکزی که از دو رنگ متفاوت ایجاد شده است و همچنین تالار و پلان، بنای چرخاب را از ساخته‌های کوروش است که نثارخوس از آن به‌عنوان کاخی از شاهان پارس در نزدیکی بندر تتوکه نام برده است. (تصویر ۱)

کاخ بردک سیاه: این کاخ در شمال برازجان قرا گرفته است. کاوش‌های باستان‌شناسی را سال ۱۳۵۶ یغمایی آغاز کرد و در سال‌های ۱۳۷۳ و ۴-۱۳۸۳ آن را ادامه داد که نتیجه این کاوش‌ها کشف یک تالار اصلی با ۱۶ پایه ستون در چهار ردیف چهارتایی و سه درگاه سنگی در سه سوی خاوری، شمالی و باختری و یک درگاه گسترده در سوی جنوب است. این ایوان دارای پایه‌ستون‌هایی نصف اندازه پایه‌ستون‌های تالار اصلی است که تاکنون چهارپایه‌ستون آن در وضعیت آسیب‌دیده به دست آمده است.^۳ درگاه ایوان جنوبی نیز دارای جرز سنگی بزرگی است که یکی از آنها شاه را که تنها بخش‌هایی از چتر، تاج، موها و شانه آن باقیمانده است، در زیر

۱. سرفراز، کشف کاخی از عهد کوروش کبیر در ساحل خلیج فارس، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. یغمایی، فصل دوم کاوش کاخ بردک سیاه، ص ۵۴.

چتر شاهی و به شکل ایستاده نشان می‌دهد. از دیگر یافته‌های کاوش سه قطعه سنگ نوشته به خط و زبان بابلی است که متن روی آن چنین است: ... روی (برفراز) سر (در) نهادم...^۱ دیگر یافته‌ها چهار کیلو ورقه به هم پیچیده طلاست که شاید برای تزئین روکش درها استفاده می‌شده است. (تصویر ۲-۳)

کاخ سنگ سیاه: این بنا در فاصله ۹ کیلومتری کاخ چرخاب قرار گرفته است. شامل یک تالار مرکزی و چهار ایوان در چهار سوی آن است که تالار مرکزی دارای شانزده ستون در دو ردیف هشت تایی است. هر یک از پایه ستون‌های ساختمان به همان شکل چهارگوش دو پله و از دو سنگ سیاه و سفید تشکیل شده و چهار ایوان آن با چهار درگاه سنگی از چهار سو، تالار مرکزی کاخ را دربرمی‌گرفته است. هر یک از ایوان‌های جنوبی، شمالی و باختری از دو ردیف هشت تایی ستون ساخته شده است. یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که ستون‌های تالار میانی و ایوان‌ها از چوب با پوشش گچ ساخته شده و سرستون‌ها، تندیس‌ها به گونه دو عقاب یا دو شیر پشت به هم بوده‌اند و همچنین دیوارهای خشتی بنا پوششی به رنگ سبز داشته‌اند.^۲ (تصویر ۴)

بنای گوردختر: در منطقه کوهستانی استان بوشهر مکانی است به نام بزپر. گوردختر بنایی است مستطیل شکل است. به بلندی ۴/۴۵ متر با بامی شیروانی شکل که از تخته سنگهای کرم رنگ بزرگ ساخته شده است. این بنا بر روی یک مصطبه سنگی بنا شده است. بر روی مصطبه سه ردیف سنگ به صورت پلکانی ایجاد شده که به اتاقک اصلی منتهی می‌شود. پائین‌ترین رج که بر روی زمین است ۵/۱۰ متر طول و ۴/۴۰ متر عرض دارد. ارتفاع سنگها که بصورت پلکانی بر روی هم قرار گرفته ۳۴ سانتیمتر می‌باشد. سرفراز بنای گوردختر را متعلق به شاهان اولیه هخامنشی و متعلق به کوروش اول و مقبره بالای آن را مربوط به همسر ایلامی وی دانست.^۳ (تصویر ۴)

۱. همان، ص ۷۳.

۲ یغمایی، فصل دوم کاوش کاخ بردک سیاه، ص ۴۸۰

۳ شوارتس، جغرافیای تاریخی فارس، ص ۲۶

کتیبه هخامنشی جزیره خارک: در جزیره خارک یک کتیبه هخامنشی بر جای مانده است. کتیبه بر روی صخره‌های مرجانی به ابعاد ۱۱۶ در ۸۵ سانتیمتر و در سطحی حدود ۳۰ در ۳۰ سانتیمتر در پنج سطر و دو بخش با یک فاصله حدود ۸ سانتی‌متر نقر شده است. بخش نخست در ۳ سطر و بخش دوم در ۲ سطر به خط میخی فارسی باستان نوشته شده است.^۱ متن کتیبه خارک: بود / شد (این) سرزمین خشک و بی آب شاد (با) استحصال (من) بهنه را . . . چاه‌ها . . . یا: این سرزمین خشک و بی آب بود. شادی . . . جاری (نم) بهنه را . . . چاه‌ها. . . در دل این صخره‌های سخت و بی آب شادی آفریدم.^۲ (تصویر ۶)

آثار دوره هخامنشی جنوب استان فارس: در دشت‌های مهر، لامرد و علاء در فارس پنج محوطه هخامنشی یافت شده است. این پنج محوطه عبارتند از: تمب پدو، کلات تنگ خور، تمب کنارو، تمب بت و تل پیر.^۳

محوطه تمب بت: این محوطه در ۴۰ کیلومتری بندر سیراف واقع است. در سال‌های اخیر در اثر شخم زدن عناصر معماری سر از خاک درآورده‌اند که مهمترین آنها سرستون‌های ترکیبی مکعب هستند که چهار طرف آنها را گل‌های پیچیده به شکل طومار پوشانده است سرستون‌های حیوانی دو سر که از دو سرستون از ترکیب دو حیوان زانو زده شکل گرفته است. در این محوطه نیم تنه مردی با صورتی تمام رخ از جنس سنگ آهک به دست آمده، ارتفاع آن ۲۷ سانتی‌متر و وزن آن ۹/۱۰۰ کیلوگرم است.^۴ (تصویر ۷-۸)

آثار دوره هخامنشی استان هرمزگان: ناحیه بستک در شمال استان هرمزگان واقع شده است. در ناحیه بستک ۴ محوطه از دوره هخامنشی وجود دارد. محوطه کهور لنگر چینی مهمربین محوطه هخامنشی کاوش شده در این منطقه است. در این محوطه شمار زیادی خمره بزرگ و کوچک داخل زمین کار گذاشته شده‌اند. به نظر می‌رسد که این محوطه از اواخر دوره هخامنشی مسکونی

۱. بشاش کنزق، کتیبه خط میخی تازه یاب در جزیره خارک، ص ۶۵

۲. همان، ص ۶۶.

۳. عسکری چاوردی، پژوهش‌های باستان‌شناسی کرانه‌های خلیج فارس، ص ۱۲.

۴. همان، ص ۱۶۰.

بوده و پس از این تاریخ متروک شده است.^۱ از دیگر محوطه‌های دوره هخامنشی محوطه تمب شهرستان، محوطه شماره ۸۰ و تپه فاریاب حاشیه رودخانه گناو است. آثار دوره هخامنشی جزیره قشم: در بررسی‌های صورت گرفته در جزیره قشم ۵ محوطه مربوط به دوره هخامنشی شناسایی شد. حکومت هخامنشی در جهت تسهیل امور نظارتی بر مرزهای آبی قلمرو خویش و هم چنین تسلط بر بازرگانی دریایی پایگاه‌های متعددی در جزایر تأسیس کردند. آثاری از این تأسیسات به شکل مخازن آب در محوطه چاه‌های تل آب در جزیره قشم باقی مانده است. دیگر محوطه‌هایی هخامنشی محوطه پی پشت، محوطه دفاری، لافت ۱ و خربس است که سفال‌های هخامنشی در سطح آنها پراکنده است.^۲ (تصویر ۹)

۶- آثار دوره هخامنشی کرانه‌های عرب‌نشین خلیج فارس:

محوطه قلات بحرین: محوطه قلات در سواحل شمالی بحرین قرار دارد. نتیجه کاوشهای اثبات وجود استقرارهای اواخر عصر آهن، بابل جدید و هخامنشی را در این قلعه به دنبال داشت.^۳ این تاریخ‌گذاری با یافتن تعداد زیادی سفال در زیر یک لایه گچ در سیلو و همچنین پیدا کردن تعداد زیادی از آنها در برج غربی قلعه به اثبات رسید.^۴ در هر گوشه این بنا برج‌های مدوری وجود دارد. برج‌ها همزمان با دیوار شمالی قلعه ساخته شده‌اند. کل بنا از سنگ آهک ساخته شده است و تصور می‌شود که این نوع سنگ را یا از نزدیک جزیره جیدا آورده باشند. ۲۵ مزغل یافت شده در این قلعه، به ما اجازه می‌دهد تا مجموعه سیستم دفاعی دیوار محوطه را بازسازی کنیم. از این لحاظ، مهمترین برج، برج جنوب غربی است که ۵ مزغل تکی آن باقی مانده است. سیستم دفاعی برج‌های میانی به شدت در برج جنوبی حفظ شده است. این برج مجهز به دو مزغل

۱. خسروزاده، گزارش فصل اول باستان‌شناسی جزیره قشم، ص ۲۷۳.

۲. همان، ص ۱۲۹.

3. Boucharlat, Mleiha, Materialien zur Archäologie der Seleukidem-und Partherzeit im sudlichen Babylonien und im Golfgebiet, p, 87.

4. Potts, Achaemenid interests in the Persian Gulf, in, p, 113.

جانبی و دو مزغل متقارن برای شلیک از مقابل است. این برجها که راه ورودی قلعه را تشکیل می‌دهند یک ربع دایره و یک طرح صاف دارند.^۱

قصر اوپری بحرین (دیلمون): ژان فرانکو سالس در سال ۱۹۹۸ اعلام کند که هخامنشیان در بحرین فرمانروا داشتند. به لطف انتشارات دقیق و کامل گزارش از حفاری‌های دانمارکی‌ها در کاخ مجلی در شهر کهن دیلمون که در گذشته از آن به عنوان «کاخ Uperi» یاد می‌شد، اشاره به یکی از پادشاهان دیلمون دارد و در منابع آشوری نو ذکر شده است. یکی از نمونه‌های کالاهای موجود در این بنا، به اصطلاح «کاسه‌های هخامنشی» هست. مهر شیشه که نقش آن یک صحنه مبارزه هخامنشی به سبک درباری نشان داد شده که یک قهرمان سلطنتی که با یک شیر بالدار مبارزه می‌کند. پژوهشگر که این اثر را منتشر کرده، آن را به عنوان مدرک مهمی که به عنوان فرمانروایی هخامنشی تفسیر شده تلقی کرده است.^۲ (تصویر ۱۰-۱۱)

محوطه ملیحه امارات متحده عربی: ملیحه حدود ۲۰ کیلومتری شهردید در امارات متحده واقع شده است. در این محوطه سفال‌هایی مشابه سفالهای محوطه‌های هخامنشی حوزه شمالی خلیج فارس یافت شده است که بنا بر ملاحظات سیاسی به عنوان سفال عصر آهن معرفی شده‌اند. همچنین از ملیحه یک سکه پارسی مربوط به نیمه دوم سده یکم پیش از میلادی گزارش شده است که تشخیص پادشاه بر آن دشوار است. هم‌چنین یک سکه ضرب سلوکیه مربوط به ارد دوم از جنس برنز یافت شده است.^۳ (تصویر ۱۲)

تپه شام امارات متحده عربی: در این محوطه دو نوع سفال مربوط به دوره هخامنشی یافت شده است؛ که از نظر مواد تشکیل دهنده نمی‌توانسته ساخت آن در این محل باشد و از طریق مناطق جنوبی ایران و در امتداد خلیج فارس به نواحی شرقی عربستان صادر گردیده است. این نوع سفال از ایران نشات گرفته و بعداً از شرق عربستان منتشر شده است. از دیگر آثار هخامنشی این محوطه، سفال لاله‌ای است که این سفال یکی از فرم‌های ظروف هخامنشی بوده است.^۴

1. *Ibid*, p, 188-187.

2. Potts, Achaemenid interests in the Persian Gulf, in. p, 3.

3. Magee, Cultural interchange and the emergence of social complexity in the southeast Arabian Iron Age. p, 30.

4. Magee P. The chronology of the southeast Arabian Iron Age. p, 82.

نتیجه:

با توجه به مطالعات صورت گرفته و آثار مانده دوره هخامنشی به صورت مکتوب و محوطه‌های منطقه تمامی منطقه خلیج فارس تحت لوای یک ساتراپ واحد اداره نمی‌شده‌است و برای بخش‌های شمالی و جنوبی ساتراپی‌های مختلفی مسئول اداره این نواحی بوده‌اند. در کرانه‌های جنوبی به احتمال قوی تحت لوای ساتراپی مکه یا مخا یا میکوی بوده‌است و کرانه‌های شمالی تحت لوای ساتراپی پارس، خوزی‌ها و بابل بوده‌است. مهمترین منطقه خلیج فارس با توجه به آثار برجای مانده بوشهر بوده‌است که در آن کاخ‌های هخامنشی وجود دارد. سپس جنوب فارس و هرمزگان مناطق مهم دیگر قسمت شمالی بوده‌اند. در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس به علت مسائل سیاسی کمی اوضاع متفاوت است ولی در کل در این منطقه جزایری مانند بحرین و کشور امارات و عمان محوطه‌های هخامنشی را در خود جای داده‌اند که نیازمند مطالعه دقیق آثار این مناطق است که آثار هخامنشی به خاطر مسائل سیاسی به عناوینی چون عصر آهن III معرفی شده‌اند. باستان‌شناسان عرب مهرهای هخامنشی زیادی در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به دست آورده‌اند که هرگز نامی از دوره هخامنشی برای آثار به دست آمده نبرده‌اند و به دلیل آنکه نامی از ایران در یافته‌هایشان نباشد آنها را منتسب به عصر آهن کرده‌اند. بیشترین اشاره به منطقه خلیج فارس در کتیبه‌های بیستون و سوئز و تخت جمشید به این منطقه شده‌است. داریوش اول در کتیبه ای که در کنار کانال سوئز پیدا شد از این دریا با عبارت، "درایه تیه هجاپارسا آئی تی" به معنی دریایی که از پارس می‌رود یا سر می‌گیرد نام برده شده‌است که منظور از دریای پارس همان خلیج فارس است. خشایار شاه، در کتیبه خود به سرزمینهای ساحلی اشاره می‌کند.

منابع و مأخذ:

- بشاش کزق، رسول. «کتیبه خط میخی تازه یاب در جزیره خارک». *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان‌شناسی کتیبه‌ها و متون*. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۸۷.
- پیرنیا، حسن. *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان*. تهران: خیام، ۱۳۷۰.
- توین بی، آرنولد. *جغرافیای اداری هخامنشیان*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: نشر موقوفات افشار، ۱۳۷۸.
- خسروزاده، علیرضا. *گزارش فصل اول باستان‌شناسی جزیره قشم*. مرکز اسناد پژوهش‌گده باستان‌شناسی، ۱۳۸۵.
- رائین، اسماعیل. *دریانوردی ایرانیان*. تهران: چاپخانه زیبا، ۱۳۵۶.
- سرفراز، علی‌اکبر. «کشف کاخی از عهد کوروش کبیر در ساحل خلیج فارس». *باستان‌شناسی و هنر ایران*، شماره ۷، ۱۳۵۰.
- شوارتس، پاول. *جغرافیای تاریخی فارس*. ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: بی‌جا، ۱۳۷۲.
- عبدی، کامیار. «دیلمون، مکن، ملوخ». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، شماره ۱، ۲۹۷، ۱۳۷۰.
- عسکری چاوردی، علیرضا. *پژوهش‌های باستان‌شناسی کرانه‌های خلیج فارس*. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۹۲.
- کخ، هاید ماری. *پژوهش‌های هخامنشی*. ترجمه امیرحسین شالچی. تهران: نشر آتیه، ۱۳۷۸.
- کورت، آملی. *هخامنشیان*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس، ۱۳۷۸.
- مجیدزاده، یوسف. «پیکره‌ای سومری در خارگ». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، شماره ۲ و ۱، ۱۳۸۸.
- ویستهورف، یوزف. *ایران باستان از ۵۵۰ پ. م تا ۶۵۰ پ. م*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، ۱۳۷۵.
- هرودوت. *تواریخ*. ترجمه وحیدمازندرانی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۵۷.
- هوار، کلیمان. *ایران و تمدن ایرانی*. ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- یغمایی، اسماعیل. *فصل دوم کاوش کاخ بردک سیاه*. بایگانی کتابخانه پژوهش‌گده باستان‌شناسی، ۱۳۸۴.

یغمایی، اسماعیل. فصل سوم کاوش کاخ بردک سیاه (منتشر نشده). کتابخانه پژوهشکده باستان‌شناسی،

۱۳۹۱.

Boucharlat, R. (2005). “*Mleiha, Materialien zur Archäologie der Seleukidem-und Partherzeit im sudlichen Babylonien und im Golfgebiet*, Tübingen: E. Wasmuth, pp: 219-250.

Carter, R. A., Challis, K., Priestman, S. M., & Tofghian, H., 2006. *The Bushehr hinterland: results of the first season of the Iranian-British Archaeological Survey of Bushehr Province, Iran*, XLIV: 63-104.

Jacobson .D. (2005). “*On the eve of Islam: Archaeological evidence from Eastern Arabia*”. *Antiquity* 79, pp: 107-118.

Magee P. *Cultural interchange and the emergence of social complexity in the southeast Arabian Iron Age. IrAnt* (¼Festschrift for David Stronach) 33: 2005: 135

Magee P. *The chronology of the southeast Arabian Iron Age. AAE* 4:1999: 240–252.

Potts, D. T. 1990. *The Arabian Gulf in Antiquity. Vol. 2: From Alexander the Great until the Coming of Islam*. Oxford: Clarendon Press.

Potts, D. T., 2010. *Achaemenid interests in the Persian Gulf*, in, London, Tauris.

پیوست:



تصویر ۱: ستون‌های کاخ چرخاب.^۱



تصویر ۲: نمایی از ستون‌های کاخ بردک سیاه.^۱



تصویر ۳: سنگ حجاری و قطعات طلای مچاله‌شده یافت شده در کاخ بردک سیاه.^۲

1. Potts, Achaemenid interests in the Persian Gulf, in, p. 60.

۲. یغمایی، فصل دوم کاوش کاخ بردک سیاه، ص ۷۰.



تصویر ۴: زبره تراشی سنگ سیاه زیرین و طرح پایه ستون‌های تالار مرکزی کاخ سنگ سیاه.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر ۵: نمایی از بنای گوردختر.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. آرشیو میراث فرهنگی استان بوشهر.



تصویر ۶: سنگ‌نشته هخامنشی خارک قبل از تخریب.^۱



تصویر ۷: سر ستون محوطه تمب بت.^۲

۱. همان.

۲. عسکری چاوردی، پژوهشهای باستان‌شناسی کرانه‌های خلیج فارس، ص ۱۸.



تصویر ۸: پایه ستون و سردیس انسانی محوطه تمب بت.^۱



تصویر ۹: چاه‌های تل آب بافت مربوط به دوره هخامنشی.^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. همان، ص ۱۶۲.

۲. نگارنده.



تصویر ۱۰: نمایی از قصر اوپری در محوطه قلات بحرین.^۱



تصویر ۱۱: مهر هخامنشی قصر اوپری بحرین.^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Potts, The Arabian Gulf in . p,61.

2. Potts, The Arabian Gulf in . p,108.



تصویر ۱۲: معماری قسمت مربوط به عصر آهن یا هخامنشی محوطه ملیحه امارات.^۱



1. Magee. Cultural interchange and the emergence of social complexity in the southeast Arabian Iron Age. p.42.